

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نیرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۸۱ - دوشنبه ۹۲/۱/۲۶

شبهه‌ی غیر محصوره

این مسأله، بحثی ریشه‌دار و طویل‌الذیل در اصول است. در این باره از دو جهت باید بحث صورت گیرد:

۱- تعریف شبهه‌ی غیر محصوره؛

۲- حکم شبهه‌ی غیر محصوره.

تعاریف متعددی از سوی اعلام ارائه شده است. البته برخی از تعاریف اهمّیت چندانی ندارد تا مورد بررسی قرار گیرد و تنها به بررسی چند مورد از آنها می‌پردازیم.

تعریف اول: إن الشبهة غیر المحصورة ما یعسر عدّها

شبهه‌ی غیر محصوره شبهه‌ای است که شمارش اطراف آن سخت است؛ یعنی اگر کسی درصدد شمارش آن برآید در سختی و تنگنا قرار می‌گیرد.

اشکال اول بر تعریف اول

عسر عدّ و شمارش، ضابطه‌مند نیست تا خودش بتواند ضابطه‌ی شبهه‌ی غیر محصوره قرار گیرد. سختی شمارش نسبت به افراد و ازمان، متفاوت است؛ ممکن است ذهن کسی در شمارش ورزیده باشد و به ندرت در شمارش به سختی بیافتد ولی در مقابل، برخی چنین ذهن ورزیده‌ای در شمارش نداشته باشند. از حیث ازمان نیز متفاوت است؛ آیا مقصود، سخت بودن شمارش در زمان کوتاه است یا در بلند مدت؟ مثلاً شمارش هزار شیء در ده دقیقه سخت است اما در یک ساعت سخت نیست.

بنابراین عُسْر العَدِّ نمی تواند میزانی برای شناخته شدن شبهه‌ی غیر محصوره باشد.

دفع اشکال

می توان این گونه پاسخ داد که مراد از عُسْر شمارش، عرفی است؛ یعنی نسبت به افراد متوسط و زمان هایی که عرفاً برای شمارش قرار می دهند نباید سخت باشد.

اشکال دوم بر تعریف اوّل

این تعریف جامع و مانع نیست؛ زیرا اگر فرض کنیم در شهری، گوسفندی از میان هزار گوسفند حرام باشد فقها آن را شبهه‌ی غیر محصوره می دانند در حالی که شمارش آنها سخت نیست، از سویی اگر بدانیم یک دانه گندم از یک میلیون دانه‌ی گندم حرام است فقهای بزرگوار آن را شبهه‌ی محصوره دانسته اند، با اینکه شمارش آن به مراتب از مثال قبلی سخت تر است.

پس این تعریف جامع و مانع نیست. در حقیقت این معیار با آنچه فقها فرموده اند مطابق نیست.

دفع اشکال دوم

این اشکال نیز وارد نیست؛ زیرا همان گونه که بیان شد ملاک عُسْر عرفی است، باید واحد شمارش اشیاء را نیز از عرف أخذ کنیم. گوسفند را با واحد رأس شمارش می کنند اما واحد شمارش گندم و جو و برنج، دانه نیست لذا نمی توان گفت چون نمی توان یک میلیون دانه را به آسانی شمارش کرد باید آن را شبهه‌ی غیر محصوره دانست، بلکه در این گونه موارد مثلاً یک میلیون دانه گندم، ده یا بیست کیلو است که در حقیقت از ده یا بیست واحد یک کیلویی تشکیل شده است و شمارش آن با این واحد، آسان است.

اشکال سوم بر تعریف اوّل

این تعریف اساساً ملاک و دلیلی ندارد. به چه دلیل هر آنچه شمارش آن سخت باشد معیار برای شبهه‌ی غیر محصوره است؟!

در حقیقت محصوره یا غیر محصوره بودن، چیزی نیست که در روایات ذکر شده باشد تا بخواهیم تعریف عرفی آن را بیان کنیم، بلکه طبق معیارهایی که خواهیم گفت، اجتناب از تمام اطراف غیر محصوره لازم نیست و آن معیارها باید ملاک تعریف قرار گیرند.

تعریف دوم از شبهه‌ی غیر محصوره

این تعریف از طرف جناب شیخ انصاری رحمته‌الله^۱ بیان شده است و مرحوم شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله^۲ با اندک اصلاحی آن را پذیرفته‌اند و مرحوم امام رحمته‌الله نیز آن را توضیح داده‌اند. خلاصه‌ی این تعریف عبارتست از:

«شبهه‌ی غیر محصوره شبهه‌ای است که احتمال تکلیف در هر یک از اطراف به واسطه‌ی کثرت اطراف، موهوم باشد».

اشکال اوّل بر تعریف دوم

این تعریف احاله به مجهول می‌باشد و دقیق نیست؛ زیرا موهوم بودن دارای مراتب است؛ ۴۰٪، ۳۰٪ و ۲۰٪ همگی از مراتب موهوم هستند و از ۵۰٪ به بالا مظنون شمرده می‌شود. حال مراد از موهوم بودن، احتمال چند درصدی است؟ آیا با احتمال ۴۰٪ می‌توان منجزیت تکلیف معلوم بالاجمال را منتفی دانست؟ روشن است که نمی‌شود. بنابراین تعریف مذکور دقیق نیست.

دفع اشکال اوّل

اصطلاح موهوم اگر در مقابل مظنون به کار رود، مراد احتمالات کمتر از ۵۰٪ است تا ۱٪، اما اصطلاح دیگر موهوم، به قول مطلق است؛ یعنی به قدری احتمال آن ضعیف است که عقلاً به آن اعتنا نمی‌کنند و مراد از موهوم در این تعریف این اصطلاح است و این اصطلاح ذاتاً مراتب نیست، کما اینکه از کلام مرحوم حائری استفاده می‌شود که فرموده‌اند احتمال به گونه‌ای باشد که **لا یعتنی به العقلاء** - گرچه خود ایشان مناقشه‌ای دارد - بنابراین اشکال مذکور وارد نیست.

اشکال دوم بر تعریف دوم

اگر واقعاً صرف موهوم بودن احتمال تکلیف موجب شود که شبهه را غیر محصوره بدانیم و علم اجمالی منجز نباشد، لازمه‌ای دارد و آن اینکه اگر تکلیف مردّد بین دو طرف باشد و گمان به ثبوت تکلیف در یک طرف مشخص باشد و در طرف دیگر احتمال مرجوح باشد، باید علم اجمالی را منجز ندانیم، در حالی که فقها می‌پذیرند در چنین مواردی تکلیف منجز است و احتمال مرجوح در طرف دیگر مساوق

۱. فرائد الأصول (طبع انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۴۳۸.

۲. دُرِّ الفوائد، ص ۴۷۱.

احتمال عقاب است و عقل می‌گوید باید از احتمال عقاب اجتناب کرد.

در واقع اگر ملاک را موهوم بودن احتمال تکلیف بدانیم لازم نیست اطراف علم اجمالی کثیر باشد بلکه با وجود دو طرف، این معیار وجود دارد، در حالی که هیچ کس در چنین مواردی به غیر محصوره بودن ملتزم نیست.

دفع اشکال دوم

مراد از موهوم بودن یعنی به گونه‌ای است که عقلاً به آن اعتنایی نمی‌کنند و لازمه‌اش آن نیست که علم اجمالی منجز نباشد بلکه در مثال مذکور که دو طرف وجود دارد، چون اطمینان وجود دارد تکلیف در یک طرف است پس وجود تکلیف در طرف دیگر مورد اعتنا نیست و لذا باید از طرف دیگر اجتناب شود. ولی معمولاً در علم اجمالی دارای دو طرف چنین وضعی پدید نمی‌آید که در یک طرف، اطمینان به عدم تکلیف باشد و در طرف دیگر اطمینان به تکلیف وجود داشته باشد گرچه ممکن است، ولی در مواردی که اطراف علم اجمالی کثیر است، به واسطه‌ی کثرت اطراف احتمال تکلیف در خصوص یک طرف چه بسا به حدی باشد که اطمینان به عدم تکلیف در آن طرف و اطمینان به وجود تکلیف در سایر اطراف باشد.

لهذا اشکال دوم نیز مندفع است.

اشکال سوم بر تعریف دوم

اگر موهوم بودن را عدم اعتنای عقلاً به دلیل اطمینان به عدم تکلیف بدانیم لازمه‌ای غیر قابل التزام دارد؛ زیرا اگر هر طرف علم اجمالی را بنگریم در هر یک اطمینان به عدم تکلیف وجود دارد و یک سالبه‌ی کلیه حاصل می‌شود به این صورت: لا يوجد تکلیف فی آی واحد من هذه الأَطراف مطمئناً. و این سالبه‌ی کلیه با علم اجمالی به وجود تکلیف در میان اطراف، که موجه‌ی جزئی است، سازگاری ندارد. در حقیقت این سالبه‌ی کلیه با موجه‌ی جزئی به وجود تکلیف قابل جمع نیست و متناقض هستند.^۱

مقرر: سید حامد طاهری

۱. دُرُالفوائد، ص ۴۷۱.